

استثمار چیست؟

کار و تلاش از من راحت و خواب از تو

هر روز ساعت ۶:۴۵ صبح، مینی بوس ها یکی یکی به درب کارخانه می رسند. ۵۰۰ نفر کارگری که هنوز چشمانشان را در اثر خواب داخل سرویس نمی توانند کامل باز کنند، به درون کارخانه می آیند. شروع کار ساعت ۷ است اما کارگران باید ۱۰ دقیقه زودتر انگشت بزنند تا مبادا زمان تعویض لباس کار، از ساعت کار روزانه بکاهد. گروه های گوناگون کارگران به سوله های خط تولید خود می روند و پشت ابزارها و دستگاه های مرتبط با کار خود قرار می گیرند. آهنگ رو به افزایش کار با سرکشی اول صبح سرپرستان و ناظران آغاز می شود تا این که وقفه های کار در زمان صبحانه و ناهار ترمز آن را بکشد. در این وقفه ها، کارگرانی که قرار است امشب شب کار باشند سکوت مرگباری پیشه می کنند و باقی کارگران گوشی در دست در گوشه ای کز می کنند. اگر حرف مشترکی در میان باشد، صحبت از بخت بد خود و یا ایده ای است که اگر پی اش را بگیرند می توانند کار خود را راه بیندازند و خود را از کارگر بودن رها کنند. روزهایی که سفارش ها زیاد می شود و ساعت کار کارگران به ۱۲ ساعت کش می آید، کارگران از این خرسندند که با این اضافه کاری فاصله ی حقوق دریافتی خود و هزینه های زندگی را کاهش می دهند.

چرا کارگران با کار ۱۲ ساعته در شبانه روز و حتی داشتن کار دوم، هر سال باز هم شکاف میان هزینه ها و درآمدشان بیشتر می شود؟ در حالی که کارخانه دار هر سال زمین های اطراف را به کارخانه ضمیمه می کند و دستگاه های جدیدی در آن نصب می کند. کارخانه دار علاوه بر گسترش کارخانه ی خود به تجارت نیز وارد می شود و هم چنین در شاخه های تولیدی دیگر نیز سرمایه گذاری می کند. این اختلاف از چه ناشی می شود که کارگران از حاصل کار و زحمت خود ثروتی نصیبشان نمی شود؟ در حالی که، سرمایه دار بدون کار و زحمت هر سال بر ثروتش افزوده می شود و خود و خانواده اش در تفریحات و صف ناشدنی غرق شده اند. پاسخ سرمایه داران به این اختلاف، پشتکار، صرفه جویی، ریسک کارآفرینی و زیرکی است و می گویند همه با دارا بودن این ویژگی ها می توانند سرمایه دار شوند، حتی کارگران! با روشن شدن مفهوم استثمار، دروغ بودن این ادعا مشخص می شود. به این منظور مثالی از کارخانه ی یخچال سازی می زنیم:

این کارخانه ماهانه ۳ هزار دستگاه یخچال به بازار عرضه می‌کند. فرض می‌شود که قیمت هر یخچال در بازار لوازم خانگی ۸ میلیون تومان است. مجموع قیمت فروش این یخچال‌ها با ضرب کردن این دو عدد ۲۴ میلیارد تومان (۸/۰۰۰/۰۰۰ × ۰۰۰/۳) می‌شود. هزینه‌های سرمایه‌دار در یک ماه چه قدر است:

الف) هزینه‌هایی که شامل مزد نمی‌شود

۸ - میلیارد تومان، محصولات نیمه‌ساخته و مواد خام به کار رفته در ساخت قطعات و مونتاژ یخچال

۲ - میلیارد تومان هزینه‌های سوخت، برق، آب و ساختمان

۲ - میلیارد تومان هزینه‌های استهلاک ماشین‌آلات و ابزارها

وسایل تولید در این بخش از سرمایه، پیش از این که وارد کارخانه شوند، در کارخانه یا محیط کار دیگری توسط کارگران آن بخش تولید شده بودند و اکنون کارخانه‌دار با خریداری آن، به عنوان مالک وسایل تولید آن‌ها را به محیط کار خود وارد کرده است. کار کارگران در بخش الف نقش حیاتی دارد، زیرا بدون انجام کار این وسایل می‌پوسند و از بین می‌روند. زمانی که کارگران روی وسایل تولید مشغول به کارند، در عین این که از آن‌ها در تولید محصول جدید استفاده می‌کنند، هم‌زمان کل یا بخشی از قیمت آن‌ها را نیز وارد قیمت محصول نهایی می‌کنند؛ در مورد اول (مواد خام و نیمه‌ساخته) و مورد دوم (هزینه‌های سوخت، انرژی و ساختمان) هزینه‌ی پرداختی ماهانه به طور کامل و در مورد سوم (استهلاک ابزار و ماشین‌آلات) درصدی از قیمت آن‌ها که متناسب با استهلاک ماهانه‌ی آن‌هاست به واسطه‌ی کار کارگران به قیمت نهایی محصول منتقل می‌شود. مجموع هزینه‌های منتقل شده در این بخش ۱۲ میلیارد تومان (۱۲=۲+۲+۸) است.

ب) هزینه‌ی ناشی از مزد و مزایای کارگران

۳ میلیارد تومان مجموع مزد و مزایای نقدی و غیر نقدی کارگران این کارخانه است. این کارخانه ۵۰۰ کارگر دارد و مجموع مزد و مزایای هر فرد در ماه ۶ میلیون تومان است (۰۰۰/۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۶=۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۵۰۰). مجموع هزینه‌های بخش الف و ب ۱۵ میلیارد تومان (۱۵=۳+۱۲) است. اما همان‌طور که گفته شد مجموع کل قیمت فروش محصولات کارخانه‌دار ۲۴ میلیارد تومان است. حال اختلاف میان ۲۴ میلیارد تومان با هزینه‌ی ۱۵ میلیارد تومانی چگونه به وجود آمده است؟ یا به عبارت دیگر سود سرمایه‌دار از کجا ناشی شده است؟

در بخش ب یا همان هزینه‌های پرداختی برای مزد کارگران نیز سرمایه‌دار هزینه‌ای را بابت خرید می‌پردازد. آنچه می‌خرد توانایی کار کردن است؛ در واقع توانایی کار کردن کارگران مانند کالاهای دیگر خرید و فروش می‌شود. قیمت این کالا همان مزدی است که کارگر می‌گیرد. مزد مقدار پولی است که کارگر به وسیله‌ی آن می‌تواند نیازهای اولیه‌ی حیاتی خود را با آن تأمین کند تا در ماه‌های آینده نیز توانایی کار کردن داشته باشد و آن را بفروشد. هر سال در ایران میزان حداقل مزد با نمایش

نشست شورای عالی کار تعیین می‌گردد. کارگر هزینه‌های حداقلی زندگی شامل خوراک، پوشاک و... را با مزد خود پرداخت می‌کند.

این وسایل معاش، خود کالاهایی‌اند که در کارخانه‌های دیگر توسط کارگرانی دیگر تولید شده‌اند. مقدار کاری که لازم است تا مقدار مشخصی از وسایل معاش مورد نیاز برای هر فرد در یک ماه (توسط کارگران دیگر) تولید شود، کم‌تر از کار یک ماه کامل است؛ برای مثال یک هفته از آن (۴۴ ساعت کار) است. یعنی کارگر بخش صنایع غذایی، کارگر بخش پوشاک و کارگران بخش‌های دیگری که در تعیین معاش دیده می‌شوند، برای تولید این میزان مشخص از وسایل معاش ماهانه برای یک فرد، در مجموع تنها یک هفته زمان صرف می‌کنند. سرمایه‌دار توانایی کار کردن کارگران را به قیمت آن که معادل هزینه‌های وسایل معاش است می‌خرد و مانند مواد خام و ماشین‌آلات در بستر کارخانه از آن برای تولید محصول استفاده می‌کند.

کارگر کارخانه‌ی یخچال‌سازی در هفته‌ی اول ماه، معادل مزدی که قرار است در آخر ماه به او پرداخت شود را برای سرمایه‌دار تولید می‌کند. این که یک هفته از ماه، مقدار کار لازم برای تولید وسایل معاش ماهانه‌ی یک فرد و در واقع معادل مزد اوست، دلیل نمی‌شود که سرمایه‌دار برای سه هفته‌ی باقیمانده‌ی ماه از مالکیت خود بر کالای خریداری شده‌اش (همان توانایی کار کردن کارگر) صرف‌نظر کند. بنابراین کار کارگران علاوه بر جبران مزدی که دریافت خواهند کرد، حتی فراتر از آن می‌رود و بخشی را به قیمت نهایی محصول می‌افزاید که باعث می‌شود قیمت نهایی محصولات بالاتر از هزینه‌هایش قرار بگیرد. این بخش همان اختلاف ۹ میلیارد تومان (۱۵-۲۴) است و این نتیجه‌ی استثمار کارگران است؛ تصاحب بخشی از محصول کار که هزینه‌ای برایش پرداخت نشده است.

تمام سود سرمایه‌داران از این طریق حاصل می‌شود؛ از طریق استثمار. قسمتی از کار که برای تامین وسایل معاش لازم است «کار لازم» و قسمت دیگر که بر ثروت سرمایه‌دار می‌افزاید «کار اضافی» نام دارد. اگر بازه‌ی زمانی این بررسی را بزرگ‌تر (سال) یا کوچک‌تر (روز) هم در نظر بگیریم، همین نسبت برای کار کارگران برقرار است. برای مثال یک کارگر روزمزد یک‌چهارم از کار روزانه را به جبران مزد می‌پردازد و در باقی‌مانده‌ی روز ثروت سرمایه‌دار را افزایش می‌دهد.

کارخانه‌دار برای تسهیل فروش یخچال با قیمتی ارزان‌تر از قیمت پیش‌گفته، یخچال را به تاجر بازار لوازم خانگی می‌فروشد و از این طریق بخشی از این ۹ میلیارد نصیب آن تاجر می‌شود. بخش دیگر از ۹ میلیارد صرف بهره‌ای می‌شود که از بانک وام گرفته است. بخشی دیگر نیز صرف مالیات به دولت می‌شود. آن چه باقی می‌ماند سود خالص کارخانه‌دار است؛ بخشی از آن سود خالص صرف زندگی پرتجمل او و بخشی صرف گسترش سرمایه‌هایش می‌گردد. بنابراین می‌بینیم که تمام سرمایه‌داران چه صنعتی، چه تجاری و چه مالی از تصاحب کار اضافی کارگران سود می‌برند.

در شیوه‌های تولید پیش از نظام تولیدی عصر حاضر (تولید سرمایه‌دارانه) استثمار و تصاحب کار اضافی برده توسط برده‌دار و رعیت توسط ارباب آشکار بود. در تولید سرمایه‌داری در ظاهر به نظر می‌رسد تمام مدت زمان کارِ کارگر برای کار لازم جهت تأمین وسایل معاش صرف می‌شود. سرمایه‌داران می‌گویند کارگران آزادانه قرارداد کار می‌بندند و در قبال کارشان مزد دریافت می‌کنند و برای اثبات حرفشان می‌گویند زمان بیشتری کار کن و مزد بیشتری بگیر. در حالی که کارگر به خاطر اجبار اقتصادی، تن به قرارداد کار می‌دهد؛ زیرا در کارخانه‌ای دیگر نیز وضع به همین منوال است. هم‌چنین دیدیم که اگر مزد در ازای کار انجام شده پرداخت می‌شد، اختلافی میان هزینه‌ها و قیمت فروش پدید نمی‌آمد و ثروت سرمایه‌دار زیادتر نمی‌شد.

طبقه‌ی سرمایه‌دار برای این که استثمار خود را ادامه دهد، تنها به اجبار اقتصادی کارگران در فروش نیروی کارشان اکتفا نمی‌کند. آن‌ها در کارخانه از ناظران، خبرچینان و مبلغان مذهبی استفاده می‌کنند. بر اساس جنسیت، زادگاه جغرافیایی و مذهب تفرقه ایجاد می‌کنند. سرمایه‌داران در قامت یک طبقه، در کل جامعه نیز در انجمن‌های رسمی و غیررسمی کارفرمایی، اعمال خود در برابر کارگران را برنامه‌ریزی می‌کنند. در نهادهای دولتی، قانون‌هایی در جهت منافع خودشان تصویب می‌کنند. در رسانه‌ها مناسبات موجود را مشروع و غیرقابل تغییر جلوه می‌دهند و در احزاب رنگارنگ سیاسی مشکل می‌شوند تا در صورت فراز و نشیب‌های ثروت‌اندوزی و افزایش اعتراضات طبقه‌ی کارگر، برنامه‌ی سیاسی متناسب را مهیا کنند. برای نمونه، در صورت افزایش اعتصاب‌ها و اعتراض‌ها علاوه بر سرکوب پلیسی، گروهی را به قدرت می‌رسانند که با ژست عدالت‌طلبی اجازه ندهند این اعتراض‌ها در مسیر مبارزه با کل چارچوب سرمایه‌داری حرکت کند.

در مقابل، برای نابودی استثمار ضروری است طبقه‌ی کارگر در دو سطح کارخانه و کل جامعه ابزارهای مخصوص خود را ایجاد کند. در کارخانه شکل مستقل خود را برای پیشبرد مبارزات اقتصادی و همبستگی طبقاتی ایجاد کند و در سطح جامعه با گام برداشتن در مسیر ایجاد حزب طبقه‌ی خود در مقابل احزاب و دولت طبقه‌ی سرمایه‌دار صف‌آرایی کند.